

## عنوان مقاله:

عملکرد عاطفی خانواده و کاهش خشونت در خانواده

## محل انتشار:

یازدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

بنت الهدی کریمی - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ایران

اصغر جعفری - عضو هیات علمی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ایران

## خلاصه مقاله:

هدف از انجام پژوهش حاضر پیش بینی خشونت علیه زنان بر اساس باورهای غیرمنطقی مردان با نقش واسطه ای عملکرد عاطفی خانواده در زوجین جوان است. این مطالعه توصیفی رابطه ای بر روی 384 نفر از زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قم در سال 1395 که به صورت دردسترس انتخاب شدند، انجام گردید. ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه خشونت علیه زنان حاج یحیی (1999)، باورهای غیر منطقی جونز (1987) و پرسشنامه سنجش خانواده مک مستر (اپشتاین و همکاران، 1983) بود. برای تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه مثبت و مستقیمی بین باورهای غیر منطقی مردان ( $p=0/000$ ,  $r=0/67$ ) و رابطه منفی و غیر مستقیمی بین همراهی عاطفی ( $p=0/000$ ,  $r=0/61$ ) و آمیزش عاطفی ( $p=0/000$ ,  $r=0/59$ ) با خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به نتایج می توان نتیجه گرفت که همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی در رابطه بین باورهای غیرمنطقی مردان و خشونت علیه زنان نقش واسطه ای دارند. همچنین نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان داد که باورهای غیرمنطقی مردان، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی مشترکا می توانند 55 درصد از واریانس خشونت علیه زنان را تبیین کنند ( $P<0/001$ ). بنابراین می توان نتیجه گرفت که باورهای غیر منطقی مردان و عملکرد خانواده نقش کلیدی در خشونت علیه زنان دارد، لذا درمان (خانواده درمانی و زوج درمانی) با در نظر گرفتن این عوامل می تواند در حل مشکلات ازدواج موثر باشد.

## کلمات کلیدی:

خشونت علیه زنان، باورهای غیر منطقی، عملکرد عاطفی خانواده

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/777699>

